فصل اهّه "مطالعات نظریه و انواع ادبی"
دانشگاه ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه حکیم سبزواری
سال اول، شماره یک، زمستان ۱۳۹۴، صص ۱۴۳-۱۶۰

نقد ادبی در قهوه‌خانه‌های عصر صفوی
ناصر نیکوبخت ۱، ابراهیم خداورد ۲، حسن احمدی ۳
دانشگاه تربیت مدرس

چکیده
نقد ادبی به معنای امروزی آن عمداً برآمدی از فکر و فرهنگ مغرب زمین است اما این به آن معنا نیست که در فرهنگ و تاریخ ادب فارسی، ما نقد ادبی نداشتیم. دوره‌های سوی به حافظ نقد ادبی و بررسی و پژوهش موشکافانه آثار شعری است. این در راستای ترکیب نقد ادبی تاریخ ادبی فارسی است. معنایی در و تلاش برای یافتن مضمون تازه، مثبت‌شناسی نقد ادبی این عمر و دقت نظر در مباحث تأثیر و تأثیر شاعران از هم‌دیگر و تلاش برای حقایق‌مانندی از جریان‌های نقد ادبی در این عمر است. قهوه‌خانه‌ها به عنوان مهم‌ترین و بزرگترین مکان شعر و تقدیم ادبی در این عمر در داخل مزه‌ها ایران صفویه، نقشی به سرا در عرصه ادبی این عمر دارد. ما در این مقاله تلاش کردیم این گزاره کلی که برای برگزاری نوشته‌نامه "نقد ادبی موجود در این قهوه‌خانه‌های نقد ذوقی است". را تبلیغ و بررسی نماییم. بر طرف اختیار بر موضوع نقد ادبی در درون قهوه‌خانه‌های عصر صفوی که کسی تأکید نمودی و تفصیلی بدان نیزارخته است، رسالت این نوشته است. بررسی مهم‌ترین تذکره‌های عصر صفوی و تحلیل محتوای داستان‌های منقول در این تذکره‌ها از نقد ادبی موجود در قهوه‌خانه‌های این عمر به ما نشان می‌دهد. نقد ادبی موجود در این قهوه‌خانه‌ها به تبعیض از ذوق حاکم بر این عمر، معنی گرایی است و روش نقد نیز عموماً نقد ذوقی و استحکامی است. نقد ادبی موجود در این قهوه‌خانه‌ها به دو طریق در عرضه شعر این عمر تأثیری به سزا داشته است: اول به دلیل حضور عالم مدرم و استقبال آنها از شعرخوانی، باعث ترغیب و تشویق خیل کبیری از مشتاقان برای سروند شعر شده و بسیاری از عوام این عمر از هم‌دیگری با شعر استعفای می‌گیرند. حیات ادبی این عمر می‌باشد. باعث هدایت ذوق ادبی عمر و توجه شاعران به پسند مخاطب‌ها گردیده است.

واژه‌های کلیدی: نقد ادبی، قهوه‌خانه، شعر عصر صفوی، معنی بین‌الملل

n_nikoubakht@modares.ac.ir
hesam_kh1@modares.ac.ir
ahmady@modares.ac.ir

۱- استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس.
۲- دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس: n_nikoubakht@modares.ac.ir
۳- کارشناس ارشد گروه زبان و ادبیات فارسی تربیت مدرس (نویسندگان مستقل).

زمینه دریافت: ۱۳۹۴/۹/۲۷
زمینه پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۲۷
۱- مقدمه
نقد ادبی از ارمان‌های فرهنگ غرب است که در تمام جهان شیوع یافته است. ۱ًدروای بینیاد مبانی نقد و نظریه ادبی امروز غرب، اساساً بر پایه استدلال، تحلیل و تجزیه است. برای نظام‌های قیاسی، در حالی که در کل نظام زبان‌نشان‌شاف ادب فارسی هم‌واره اصل بر اساس استنباط، کشف و تجربه است (محبی، ۱۳۸۸، ص. ۱۵). منظور ما در این مقاله از نقد، به نقد ادبی به معنای امروزی، بله بررسی دریافت‌های منتقل‌دان گذشته شعر و ادب فارسی است.

در میان متنوع قبل از اسلام، آن‌چه اکنون در دسترس ماست، اثری را نمی‌توان یافت که بتوان بر آن نام نقد ادبی داشته. بعد از ورود اسلام به ایران و امتزاج فرهنگ‌های غربی ایران با فرهنگ‌های دیگر از اسلام نظریات و دیدگاه‌های بسیار علمی و متفرق‌های در باب زبانی شناسی و نقد و بررسی ساختار اعجازی قرآن ارائه کردنند که به‌مرور، این نظریات به شعر و دیگر آثار ادبی نیز سرایت کرد. از زمان پروز اولین جرده‌های شعر فارسی، نوعی نقد ذوقی و استحکامی نیز همراه با آن رشد کرد. شاعران بر شعر هم‌دیگر خرده می‌گرفتند و گاه بر هم‌دیگر فخر می‌فرودشتند. اگرچه این خرده‌گیری‌های اهل ذوق در اعصار مختلف تاریخ ادبیات ایران را نمی‌توان نقد ادبی، به معنای امروزی کلمه نامید، خالی از دقیقه و ظرافت هم‌بوده‌اند. در ایران و غالب کشورهای شرقی، تمام مبانی درک و آفرينش و نقد آثار خلاقی هنری، از جمله آثار ادبی، از طریق سینه و زبان استاد و ممارس‌های مداوم و انس با متن و آشنا گام‌های در طی زمانی نبستاً طولانی، به دست می‌آمد است و مجموعه این‌ها تجارب خلاق فردی هرمند درمی‌آمیخته و مبانی تئوریک و عملی درک و خلق و نقد آثار هنری و ادبی را پی می‌ریزته است» (محبی، ۱۳۸۸، ص. ۱۵).

در این مقاله در پی آن‌ها، این گزاره را که نقد ادبی در این قهوخانه‌ها نقید ذوقی و بدون تجارب علمی است تبیین و بررسی نماییم. تحلیل محتوی‌های موردی این داستان‌ها و توسط آن با جریان‌های مهم نقد ادبی این دوره و تبیین عملی این بحث که نقد قهوخانه‌و
کتاب‌هایی که به صورت کلی به موضوع نقد ادبی ایران پرداخته‌اند مند/گذشت‌های ادبی ایران اثر زرین کروب، نقد ادبی اثر شمس‌الدین از معنا نا صورت اثر محبتی (رک: کتاب‌نامه) هرکدام طبق یادداشتی که داشته‌اند، موضوع نقد ادبی در عصر صفوی را از نظر گذرنامه‌های کتاب‌های تاریخ ادبیات ریپاک (۱۳۵۳ صفا (۱۳۶۳ دی) و دیگر ناحیه‌های که افتضاح این گونه کتاب‌های تاریخ ادبیاتی است، پیرامون دوران صفویه و روزگاری نقد آن مباحثی را طرح کرده‌اند. علاوه بر دو دسته نامبرده کتاب‌های مستقیم نیز به این حوزه پرداخته‌اند. کتاب بیگانه مثل معنی از محمدحسین محمدی به برای موضوعات وظیفه در این عصر پرداخته است. شاعری در هنر منتفی‌ان از شهیه کاظمی از نخستین کتاب‌هایی است که در این حوزه منتفی شده است. کتاب طرز نازه اثر حسین حسین‌پور پیش‌تر نیز به مباحث سبک شناسی غزل این عصر پرداخته است. بعد از ایشان محمدرسان در کتاب نقد ادبی در سبک هنری گستره‌ترین و بهترین کار را در موضوع نقد ادبی سبک هنری منتشر کرده‌اند (رک: کتاب‌نامه). مقالاتی نیز نویسندگان دیگری در نشریات علمی کشور نوشت‌های که از این چه مطلب تازه‌ای در آنها دیده نشد و تکرار حریری کتاب‌های نامبرده است، از معین آنها خودداری کرده‌اند. در میان آثار نامبرده، متأسفانه بسیار کم به قهوه‌خانه‌های عصر صفوی پرداخته‌شده است. شاید بحث نقد‌های ادبی در این مکان‌ها را نخستین بلافلسی در تاریخ قهوه و قهوه‌خانه مطرح کرده است که البته روبرود ایشان در این مقاله تاریخی بوده و قصد بحث ادبی نداشته است. بعد از ایشان ذبیح‌الله صفا در تاریخ ادبیات ایران بحث مجملی در معنی این قهوه‌خانه و نقش ادبی آن‌ها در کتاب خود داشته‌اند. زرین کروب در کتاب/گذشت‌های ادبی ایران نیز اشاراتی به نقش ادبی محافل عمومی و قهوه‌خانه‌ها در این عصر داشته است. (رک: کتاب‌نامه). بعد از ایشان فتوحی درک، به مطالعه به موضوع نقد ادبی در عصر صفوی پرداخته‌اند، به بحث نقد ادبی در درون
هوش تحقیق و جامعه آماری

روش این مقاله توصیفی-تحلیلی بوده و با روش تحلیل محتوا به بررسی اطلاعات تذکره‌های زیر ۳ در مورد نقد ادبی در قهوه‌خانه‌های عصر صفوی (قرن دهم تا اواست قرن دوازدهم) پرداخته است:

<table>
<thead>
<tr>
<th>سال تألیف</th>
<th>مؤلف</th>
<th>نام تذکره</th>
<th>راوی</th>
<th>ردیف</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>956 میلادی</td>
<td>سام مرزا صفوی</td>
<td>تحقیق سامی</td>
<td>۱</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>۱۰۱۶ میلادی</td>
<td>میرتقی الیخانی کاشانی</td>
<td>خلاصه‌الشعر و زیده‌الافکار</td>
<td>۲</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>۱۰۲۸ میلادی</td>
<td>عبدالبنا فخرالزمانی</td>
<td>تذکره میخانه</td>
<td>۳</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>۱۰۸۳ میلادی</td>
<td>مهدی نصرا بادی</td>
<td>نصرآبادی</td>
<td>۴</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>۱۱۰۰ میلادی</td>
<td>میلیحای سمرقندی</td>
<td>مذکرالصحاب</td>
<td>۵</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>۱۱۶۱ میلادی</td>
<td>رضای الشعرای</td>
<td>ویل داغستانی</td>
<td>۶</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>۱۱۶۳ میلادی</td>
<td>سراج الدین علی خان آزنی</td>
<td>مجمعالفیس</td>
<td>۷</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>۱۱۶۵ میلادی</td>
<td>حسین لاهیجی</td>
<td>تذکره المعرّفین</td>
<td>۸</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>۱۲۵۸ میلادی</td>
<td>محمد گویامی</td>
<td>نتایج‌الافکار</td>
<td>۹</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>۱۲۸۸ میلادی</td>
<td>پاش قلی خان هدایت</td>
<td>مجمعالفصحا</td>
<td>۱۰</td>
<td></td>
</tr>
</tbody>
</table>

- چارچوب نظری و مفهومی

۱-۲ تحلیل محتوا

روش تحلیل محتوا یکی از مهم‌ترین روش‌های تحقیقات توصیفی-تحلیلی در حوزه علوم انسانی و اجتماعی است. «ابن تحقیق به منظور توصیف عینی و کیفی محتوای مفاهیم متن‌ها، بیده‌ها و فضاها به صورت نظام دار انجام می‌شود» (حافظیا، ۱۳۸۹: ۲۷). در این
روش محقق تلاش می کند تا محتوایی یک اثر را کدگذاری و بعد تحلیل نماید و از آن نتیجه بگیرد.

۲- جربان‌های مهم نقد ادبی در دوره صفوی

دوره صفوی از لحاظ نقد ادبی، پربارترین دوره نقد ادبی در تاریخ ادب فارسی قبل از خود است. گسترش مرزهای جغرافیایی زبان فارسی و علاقه و توجه زیاد پادشاهان و مردم مسلمان هند و به وجود آمدن نوعی رقابت بین شعرای ایرانی و هندی در این دوره از مهم‌ترین عوامل رشد نقد ادبی در این دوره است. اینبه تذکره‌هایی که در این عصر نگارش یافته و به دست ما رسیده و اینه مباحث و اصطلاحات مطرح‌شده در این تذکره‌ها عموماً خالی از نقد و بررسی اشعار شاعران نیستند، ما را متوجه رونق و روابط نقد ادبی در این عصر می‌کند.

منابع ما برای بررسی نقد ادبی در دوره صفوی به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند: دسته‌ی نخست کتاب‌ها و آثار دست‌اولی است که از نویسندگان و شعرای آن عصر از روی نقل‌رسی در اختیار ما هستند؛ مانند تذکره‌های تحقیقی سامی، نصرآبادی و دیگران. دسته دوم بررسی‌های منتقدان و پژوهشگران معاصر در باب نقد ادبی در این دوره است. منابع دست‌اول در این عصر فراوان‌اند. مهم‌ترین و بهترین منابعی که اطلاعاتی جامع و مهم از نقد ادبی این دوره در اختیار ما می‌گذارد به‌صورت خلاصه، موارد زیر است: تحقیق‌سماء (۹۵۷) مذرک احباب (۹۶۴) - ۹۶۶، تذکره‌الشعراء سمرقندی (۱۰۱۳ - ۹۵۸)، تذکره‌الشعرا (۹۵۷) - ۹۶۴، مجموعات‌النفایس (۱۱۶۴ - ۱۱۴۵) تذکره‌المعاصرين حزین (۱۱۶۴ - ۱۱۶۵)، بدایه‌الافکار (۱۰۷۰ - ۹۱۶) کارنامه (۹۱۶)، تحقیق‌الهدن (۱۰۴۸)، دستورالشعراء (۱۱۸۱ - ۱۱۷۸). تنبیه‌العفافین در اعتراض علی اشعار الحزین و سراجنیمر (۱۰۸۰) و مهم‌ترین و بهترین آثار پژوهشگران معاصر در تحلیل دیدگاه‌های نقد ادبی این عصر موارد زیر است: دیدگاه‌های پراکنده بزرگان جوین بهار، امری فیروزکوهی، محمد‌قلی‌قاودان و دیگران؛ شاعری در هجوی منتقدان و شاعر آینه‌ها از شفیعی‌کدکی؛ بیگانه‌ی معلّم مenburg از محدثین محترم، شهرزاد شور جنونی، شهراز، بیدار و سبک‌هندی در سبک حسن احساسی، تذکره‌ادبی در سبک‌هندی از محمود فتوحی، کتاب‌های سبک‌شناسی شمشیری و نصرالله امامی، تواريخ ادبیات ات، براون، پیکا، صفا و سایرین، کتاب تقد ادبی شمیسی و از معنی‌تا صورت محتی.
آنچه بررسی هر دو دسته آثار نامبرده در اختیار ما می‌گذارد ابتدا اصطلاحات، رویکردها و جریان‌های نقش شعر در این عصر است. بررسی تمام این ریکردگان و جریان‌ها کاری است دشوار که تا حدودی شفیعی کدکنی در کتاب شاعران در هجره منتقل/دان و بعد از ایشان، محمود فتوحی در کتاب نقدهای ادبی در سبک هندی آنها را دسته‌بندی و پیش‌آمدهای آنها توضیحاتی داده‌اند. این کتاب‌ها متأسفانه دسته‌بندی دقیق و کلی‌ای که جریان‌های اصلی و فرعی را ارائه کند، در مورد نقدهای ادبی این دوره ندارند. به نظر میرسی در میان این ابزار جریان‌ها، به جریان هم‌ساز گروهی که در بررسی آثار ادبی، لغت و معنی مورد دقت قرار گیرد (شمسی، 1378: 20) در طول تاریخ نقدهای ادبی عده‌ای اصلی این را به‌صورت و در مقابل عده‌ای اصلت را به معنی در اثر ادبی داده‌اند. به نظر میرسی می‌تواند، در کل ادب فارسی صورت‌گذاری باشد، بدن معنی که صورت، مهم‌ترین بینایی تئوریک در هر نوع سراشی و پردازش ادبی بوده است» (محتوی، 1390: 42). در مقابل جریان «صورت‌گرا» در تاریخ ادب فارسی می‌توان صوفیه را مهم‌ترین نماینده تفکر «معنی گرایی» در شعر دانست.

بحث صورت و معنی تا عصر صفوی ادامه یافته است و در این عصر نیز یکی از مباحث مهم منتقل/دان، بحث بر سر صورت و معنی در شعر است. جستجوی ساده و ابتدا/ی در میان آثار منتشر و منظوم سبک هندی که به موضوع نقش در این عصر توجه داشته‌اند ابتدا اصطلاحات و خرده‌گیری‌های منتقل/دان در بحث صورت و معنی را نشان می‌دهد. اصطلاحاتی مانند «مضمون تازه»، «معنی بی‌گناه»، «معنی پیچیده»، «لغت غربی» و... نشان می‌دهد منتقل/دان در این عصر دقت نظرهای بسیاری در باب این مسائل داشته‌اند؛ مثلاً صائب که به‌حق باید از را قله‌های ادبی در سبک اصفهانی (تازه خیالان ایرانی) دانست، از اساس قابل
به اصلت معنی در شعر بوده است. شیمسا معتقد است شعر سبک هندی، شعری معنی گرایی و شاعران به معنی بیشتر توجه دارند تا به زبان (شیمسا، 1385: 185). فتوحی نیز در این باب نوشته است: «در عصر روزگار سبک هندی اغلب شاعران و ادبیان به اصلت معنی قابل‌اند» (فتوحی، 1385: 113).

مهم‌ترین شاخصی شعراً عصر این عصر مضمون گرایی و تلاش برای بیان مضمونی نو و تازه است. مضمون گرایی به معنی: «ایجاد و یا کشف رابطه و پیوند تازه میان امر ذهنی- گاه عینی- با عناصر ذهنی یا عینی دیگر که در ظاهر هیچ پیوندی میان آن‌ها نیست» (الاشتی، 1384: 145). شاعران این عصر از تکرار مضامین به شدت اکراه دارند و تمام تلاش خود را مصرف یافتن مضمونی نو می‌کنند. شفیعی کدکنی معتقد است که مجموعه تعبیراتی مانند «معنی غرب» و «معنی بیگانه» نشان‌دهنده تصویری است که منتقدان این عصر از مقولة آشنا یزدایی داشته‌اند و در تقابل با این مفاهیم اصطلاح «ابتذال» و «مبتذل» است که در عرف این ناقدان مربوط تکرار می‌شود و منظور ایشان از بیت بی‌سئ شرعی است که شاعر، مضمون آن را از دیگری گرفته‌باند (رک: شفیعی کدکنی، 1376: 20). صائب می‌گوید:

پاره نلسات نازگی لفظ می‌کند

به لفظ، معنی بیگانه آشنا نشود

همچنین:

نگردید معنی بیگانه با لفظ آشنا صبی

به افسون رام عشق آن پری خرسان کی گردید (صاحب تبریزی، نک. فتوحی، 1385: 108)

به طور کلی معنی بیگانه یا مضمون نو از دو راه به دست می‌آید: 1) از طریق مطرح کردن مطالبی که پیش از این در شعر وارد نشده است؛ 2) بازارسازی و لباس نو پوشاندن بر مفاهیم و مضامین گذشته‌گان (رک: محمدی، 1376: 124).

منتقدان این عصر سبیل‌بزی از شعر را به این دلیل که شعرشان را فاقد معنی می‌دانستند رد کردند. مثل‌السّام می‌زای در مورد معنی یزدی در تذکر خود نوشته است: «در شاعروی خود را کم از شعرای نامی نمی‌دانست اما از شعر ای به‌موجب معنی فی بطن شاعر بحسب ظاهر معنایی کم می‌توان یافت. هرچند تخلص معنی است» (سام می‌زای، 1384: 1258).
۲-۲. نقد اصلاحی

منتقدان و شعرای عصر صفوی، نظرات اصلاحی خود را در شعر مورد نقد، اعمال می‌کردند. اگر نقص و خطایی لفظی یا معنای داشت تلاش می‌کردند تا آن را برطرف کنند و اگر شعر از لحاظ صورت و معنای خطایی در آن نبوده است، والاترین و هنوز ترین شیوه برای ارائه بیت یا پیشنهاد می‌دادند. مثلاً خان‌آروز بر این بیت حذین لاهیجی:

ظلمتکده عاشق از چهره منور گن
تا چند به روز آرم تاریکی شبها را
ایران گرفته است که: «شب به روز آوردن است نه تاریکی به روز آوردن». اگر شب‌های تاریک موزون می‌شد، حسابی بود. گویا در این بیت سهول واقع شده، باید لفظ مانند شمع یا چراغ با غیره در مصعر دوم ذکر می‌شد؛ مثلاً: ظلمتکده عاشق از چهره منور کن/ تاریکی شب به شمع تا چند به روز آرم» (سفری، کدکنی: ۱۳۷۵) یا مثلاً سام میرزا در مورد این بیت میر عبدالباقی:

نازگی بین چو ببوسم لب او به خیال
شود آرده لب چون نگرم روز وصال
گفته است: ۱۳۸۴ اخیراً چنین خواندن بهتر است: بود آرده در او چون نگرم روز وصال» (سامی، ۱۳۸۴: ۵۵). فتوحی در مورد دو تا از متنقدمان بزرگ این عصر نوشت: خان آروز و آزاد بلگرایی که از برجسته‌ترین متنقدمان ادبیات فارسی شبه قاراند. در مقایسه اصلاحی خود بر دو مقوله بیش از هر چیز تأکید داشته‌اند، یکی تناسب و دیگری اولویت» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۹۵). منظور از اولویت، رساندن شعر به والاترین ساخت ممکن است.

۲-۲-۲. سرقات ادبی

یکی از مباحث داغ و همیشه‌گی شعر و متنقدم ادبی این عصر، مباحثین پیرامون سرقات‌های ادبی به‌خصوص استفاده از مضامین شعرای دیگر است. از آنجا که پیدا کردن مضمون نو، مهم‌ترین هدف شعرای این عصر است، هرگونه تشکیه مضمون با گذشتگان را بر سرقات ادبی حکم می‌کردند. «کسانی که در این دوره بودند و حکم منتقد ادبی را داشتند، همین‌که شاعری بیتی می‌خواند، سابقه مضمون سازی و را و ایجاد رابطه یا ووجه شبه را می‌گفتند و شاعر را متنهم به سرقت یا تقليد می‌کردند» (شمسی، ۱۳۸۵: ۲۸۹). این متنقدمان سخت‌گیری بر ادب فارسی، به‌خصوص شعر معاصران تسلط بالایی داشته‌اند. مثلاً خان آروز در نقد این بیت حذین:
خار ترم که بارم بر دوش باغ و بستان
دهقان بی‌مروت بی جاد ماند ما را
می‌گوید: گرچه ابتدال (تکراری بودن مضامین دیگران) در دیوان حضرت شیخ به حیدی
است که زبان قلم از تعداد آن قاصر است، لیکن جناب شیخ در این بیت، غرب صنعتی
به‌کاربرده که حاصل شعر دو استاد، در یک بیت مندرج فرموده» (شفیعی کدکنی، 1375:
۶۵۴). حقیقت آن است که یکی از دل مشغول‌های جدی شعرای این عصر بحث سرقت و
توارد است. مثلاً در مورد سلیم تهرانی نوشته‌تاند: «باندز خلق است که معنای بیگانه را با
خود اشنا می‌ساخت. وارسته سیالکوتی در حق او گفت اب: دخلی که نگردی به کلام الله
است/ بیتی که نبردهای تو بیت الله است» (فتوحی، 1385، ۲/۳۷۷). فتوحی دلایل وجود
مضامین و محتوای مشترک، در شعر این دوره را این گونه گفته است: «در عصر صفوی [...]
به دلیل روابط ادبی گسترده و محدودیت منابع، آگاهی و یکسانی مطالب شعران، تشایه
در مضمون و محتوای اشعار از هر دورهای بیشتر بود» (همان: ۹۸).

۴- ۲- ۲. طرف و قوع (حقیقت مانندی)
از مهم‌ترین مباحث نقد ادبی این عصر، یکی هم حقیقت‌مانندی در شعر است. «طرف
وقوع به معنی امکان تحقق در خارج است [...] که در هنر داستان‌نویسی آن به
حقیقت‌نمایی و حقیقت‌مانندی تعبیر می‌کند» (شفیعی کدکنی، 1375، ۱/۳۴۵). به نظر
میرسیدن از آن چا شعر سبک هنده، شعری کاملاً زمینی و بیشتر متوحه امور محسوس
است، بر روی حقیقت‌مانندی تأکید بسیار داشته است؛ مثلاً درباره این بیت حزین لاهیجی:
جهانی را چو مجنون حسن لیلی کرده‌او را، بیابان گرد دارد یوست ما کاروانی را
خان آزو می‌گوید: «مصرع اول طرف و قوع ندارد، زیرا که عاشق لیلی هم‌مجنونی بود و
بس» (همان: ۶۴).

۳- بحث و بروزی (نقش شعر در قهوه‌خانه‌های عصر صفوی)
یکی از کارکردگان مهم و اساسی قهوه‌خانه‌ها در این عصر، رونق دادن به فضای نقد و
روای نقد شعر است. شاعرانی که در این مکان دور هم گرد می‌آمدند، بعد از شنیدن اشعار
گاهی این اشعار را نقد و اصلاح نمی‌کردند. یکی از استادان برای کسانی که در این
عصرهای نقد ادبی، نسبت به دوره‌های قبل از خود، در ادب پارسی است. محبیت در این
باب نوشته است: «در واقع می‌توان گفت که در هیچ‌برهایی از تاریخ فرهنگ ایران و زبان
فارسی به‌اندازه این دوران، شعر و تحلیل شعری مسئله عام اجتماعی نبوده است» (محبیت،
۱۳۹۰: ۴۱۴/۲). قهوه‌خانه‌ها جایی بود که شاعران در آن، به دیدن هم می‌رفتند و ضمن
دید و بازدید، غزلی را طرح و یا شعری را نقد می کردن. حجم زیاد نقد ادبی در این عصرابت‌های مختص قهوه‌خانه‌ها نبوه به نب‌خی عظیمی از نقد این دوران در قبال تذکره و رساله مفرده منتشرشده است. اینه تذکره‌ها و کتاب‌های نقد در این دوره، نسبت به دوران قبیل آن انسان را به شفقتی وا می دارد.

اطلاعات ما در باب این که نقد شعر در قهوه‌خانه‌ها دقیقاً به الیک شکل بوده، بیشتر مربوط به تذکره نصرآبادی است و بعد از او تذکره مذکرالاصحاب. متأسفانه بیشی منابع و تذکره‌های این عصر در مورد این پدیده نو و شگفت، سکوت پیشه کردن‌اند که نب‌خی یک دلیل آن این بوده است که بخشی از تذکره‌نویسان این عصر در هند و به دور از فضای این قهوه‌خانه‌ها بوده‌اند. آن چه از تمام منابع نامبرده، پیرامون نقد شعر در قهوه‌خانه‌ها، توانستیم به دست بارداری داستان‌های زیر است:

- روزی زلالی خواننیزی به قهوه‌خانه رفت در حالی که «مسوده اشعار در دشت داشته، به دست ملّا غروزی داد، این بیت را که در تعریف براق برابر یک دیوان شعر است خط باطل بر آن کشیده بود:

ز جستن جستن آن سایه در دشت چو زاغ آشیان گم‌کرده می گشت

ملّا غروزی گفت چرا این بیت را خط باطل کشیده‌ای؟ گفت بعضی یاران گفتند که معنى "نادرد"(نصرآبادی، 1317: 130). این داستان چند موضوع را به ما می‌رساند: ۱- قهوه‌خانه محل شعرخوانی و نقد شعر بوده است و شاعران شعر خود را برای عموم و در محضر افراد ناقد (مثل ملّا غروزی) می‌خوانده‌اند. ۲- قبلاً بحث شد که شاعران و منتقدان عصر صفوی عمداً معنی‌گر بوده‌اند و به حبظ معنی در شعر توجه بسیار داشت‌اند. در داستان بالات‌ندیز که نصرآبادی آن را حکاکیت کرده، ایرادی که دوستان خواننیزی بر شعر او گرفته‌بان نداشته معنی‌گر بوده است؛ بیان بیت از لحاظ صورت و دستور زبان، نقشی ندارد اما برابر دوستان او معنی محصلی نداشته است. ۳- پسند مخاطب برای شاعر بسیار مهم بوده و شاعر معنی می‌کرده است تا دیدگاه‌های مخاطبان خود را در شعر اعمال کند.

- ملّا غروزی... مرد درون‌نشی بوده. یحتمل که پنج‌هزار بیت گفتگو اما همانوی است. روزی در قهوه‌خانه آمده می‌گوید که امشب دست دینار و نمی به یک سمع دادام و دو غزل گفتگام. ملّاحم می‌گوید که معلوم نیست غزل‌ها به یک دیلنای بیزید. خمسه هم گفتگو، چون زحمی در بینی داشت [... ملّا حاتم می‌گوید که خمسه را چون بگفتگه شیخ نظامی تیر در بینی تو کرده» (همنان، 295)، این داستان به ما می‌گوید: ۱- شاعر بودن در این دوران

Downloaded from journals.hsu.ac.ir at 5:21 IRST on Friday November 6th 2020
فضيلتی محصور می‌شد، است و شاعر باره به دست‌آوردن نام شاعری، هزنده‌هایی گراف می‌کرده است. ۲- بعضی از حصار و ناقدان حاضر در این قهوه‌خانه‌ها بسیار رک و گردنه شاعران را به باد نقد می‌گرفتند. ۳- تقلید و تبیع شعر شاعران بزرگ و استقبال از منظومه‌ها و اشعار آن‌ها، در این دوره رواج داشته است. خصوصیاتی زیادی به تقلید از نظامی و دیگران در این عصر سروه شده است. ۴- اگرچه ملّا حاتم دلیل بوده‌م‌ها ملّاگرامی را نگفته است اما از بررسی ذوق کلی این عصر می‌توان احتمال داد که شاعر در تقلید مضمون و معنا نتوانسته است، حق مطلب را ادا کنده.

- ملّا شکوهی: روزی بی‌انتفاض میراله‌ی (همدانی) در قهوه‌خانه عرب [...] نشسته بود، که شاعری‌ها بی‌سایری از قهوه‌خانه می‌آید. از ملّا شکوهی می‌پرسد که چگونه؟ می‌گوید که شاعر می‌گوید که شاعر از او طلبید، این بیت را خواند:

ما بیدالان با به‌جا همبند، بی‌گل پهلوی یک‌گرهم در خون نشت‌هم ایم

شاعر تحسین می‌فرمازد که عاشق را به بگل گل تشیه‌کردن اندکی دارد. آن‌هاهی از میر الپه پرست که تخلص شما چیست؟ گفت: الپه، شاه دست‌پرسر میر‌گذاشت و گفت: الپه» (همان، ۱۳۴۲: ۱۲۸). داستان بالا نیز اطلاعات‌هایی از یک‌شانسان معاصر، با شعر و ظرافت آن اشتباه داشته‌اند.

۲- قهوه‌خانه قدر نقص پربرنگی در این عصر دارد که حتی شاه نیز شخصاً در آنجا رفته و امر داشته است. این برخلاف دوره‌های قبل است که دربار شاهان و امیران تنها ملّا، و محل شاعران عصر بوده است. ۳- نقد شاعری‌ها بر شعر شاعر، نقد معرفت و یعنی سرچرخ و ظاهر شعر را به کنار نهاده‌اند و در معنای ابراد گرفته‌اند. عاشق ازان‌جا که باید در مقام نیاز باشد و بار جهافل معشوق را بکشد، با لطف و ظرافت بگل گل چندان نسیبی ندارد.

بیشتر معشوق است که به گل تشیه می‌شد.

- نصرآبادی در مورد قسمت مشهدی نیز نوشته است: «محمّدقالم نام داشت [... طبعش خالی از طرف نیبود ان‌تا بی اتحام و تندخو بوده؛ چنانچه ملک حضر [...] در قهوه‌خانه غزی با ملّا قسمت طرح می‌کند و بر سر معنی شعری که ملّا قسمت مطابق فهمیده بود، فساد غلط‌هایی در قهوه‌خانه شد. نزدیک بود که خونی واقع شود، آن روز کم‌پرداز سبیل در اطفاء آتش فساد کرد. ملّا قسمت عصر آن روز بیمار شده، روز دیگر فوت شد» (همان: ۱۴۴۵/۱). این داستان حاوی اطلاعات زیر است: ۱- یکی از کارهای رایج در قهوه‌خانه‌های این عصر، طرح غزل بوده است. طرح یعنی شعری یا بیشتر را به عنوان سرمشق می‌خوانده‌اند
و شاعران می‌پایست بر همان وزن و قافیه، شعر می‌سروند. طرح کردن غزل در این محفلها [...] و استقبال کردن آنها گاه به فراهم آمدن یک دسته شعر، با یک وزن و قافیه در جنگها و دیوان‌های متعدد منجر می‌شد (صفا، 1371: 5) (1/517). ۲- دعا بر سر معنی شعر بوده است. قبلاً توضیح داده شد شاعران و مستندگان این عصر معنی گرا بوده‌اند. صورت‌گر. ۳- در نقد و بررسی‌های شعری در این قهوه‌خانه‌ها گاهی کار به دعا و زد و خوره می‌کشیده است.

- در تذکره‌های یزد در مورد نوری نوشته شده است: «وی از کسی بازار و شغلش تنباکو‌فرش بود. به مجلس عالی نشسته و صحیح هیچ دانشمندی در نیافته‌اها طبعی داشته و گاهی به‌حساب اتفاق‌یافته‌های مسروده است. نوشته‌های که روزی در قهوه‌خانه می‌دانند خواجه رباحی دیل که از میرزا صائب تبریزی است خوانده شده که:

با رب به‌نیاژ و ناز مستان‌الست
صاحب را کن ز جام هشیاری مست
بخشای در آن دمی که ساییم بهن
ما ساک به ساق و دیگران دست بهدست
نوری در گوش‌های ایستاده گوش می‌داد فوراً در جواب ربا نایق فوق، ربا نایق زیر را به رشته
نظم کشید و به‌سمع حصار رسانید.

گر زاهد شهری و اگر باده پرست
می‌باشد داد جان و می‌باشد رست
از مال جهان و نقد جان دل برگیر
نی ساک به ساق مال و نی دست بهدست
نوری در سنی ۱۰۱ در یزد وفات نموده است» (فتح‌الیزی، ۱۳۸۲: ۶۹). داستان با لا این اطلاعات را در اختیار ما می‌گذارد: ۱- برخی از شعرای این عصر سواری داشتند و از مصاحبت با صاحبان دوی خری می‌گفتند. ۲- یکی از کارهای ادبی در قهوه‌خانه‌ها جواب‌گوی به شعر شاعران دیگر بوده است. ۳- قهوه‌خانه محل اجتماع همه نوع مردم از شاه تا گذا بوده است و همه نیز حق اظهارنظر و گفتگو داشته‌اند.

- خوشه‌گو درباره میر رضی داشت نوشته است: «نقل صحیح است که روزی در قهوه‌خانه اصفهان که میرزا صائب چا گرم داشت، میرزا رضی داشت غزل‌های خود را پیش میرزا می‌خواند؛ میرزا غزل‌ها را شنید» (رضایی، ۱۳۹۲: ۲۴۹) (۲۴۹) (۲۴۹) (۲۴۹). این داستان نیز به ما می‌رساند: ۱- شاعران بزرگ مانند صائب نیز در این قهوه‌خانه‌ها حضور می‌یافتند. ۲- شاعران گمنام شعرشان را در این قهوه‌خانه‌ها پیش استادان سخن و شعرای بزرگ می‌خوانده‌اند تا نقد و بررسی شود.
در مجموع، اطلاعات برآمده از داستان‌های نقل شده به ما نشان می‌دهد که در اغلب این داستان‌ها نقد اصلی بیشتر مسئله محتوا و مضمون بوده است. همان‌گونه که قبل از بطور مفصل در چارچوب نظری بحث شد، بحث صورت و مضمون یکی از مباحث مهم نقد ادبی این عصر است که عموماً هم گالب این عصر مضمون باید و معنی گرا بوده‌اند. اینجا نیز نمایانده شد که نقد ادبی موجود در این قهوه‌خانه‌ها نیز بیشترین تأکید را بر مضمون و معنی داسته‌است و نوع نقد‌ها نیز ذوقی بوده‌اند.

آنچه از منابع این عصر به ما رسیده است، نشان از آن دارد که نقد شعر در این دوره اصول و معیار علمی و دقیقی ندارد، بلکه تنها ذوق و سلیقه شنوندگان محک نقد شعر بوده است. صفا نوشته‌است: «در این قهوه‌خانه‌ها غالباً شاعران به دیدن یکدیگر می‌رفتند و باهم دربار شعر سخن می‌گفتند و غزل‌های خود را عرضه نموده و یا به طرح عزل هنی از استادان برای جواب گفتن می‌پرداخته‌اند» (صفا، 1371: 5/16/1) حتی نقد ادبی تذكرها نیز هم اصول مدن و مشخصی ندارد بلکه تنها ذوق‌های ترتیب شده یا نشده معیار قضاوت بوده‌اند.

پس در باب نقد ادبی موجود در این قهوه‌خانه‌ها یاد گفت «نقدهای معمول در این محافل مبنی بر اصول و معیارهای خاصی نبود، بلکه نقدی ذوقی و استحصالی بود.» (فتوحی، 1385: 46 اما ذوق چیست و قضاوت ذوقی چگونه است؟)

زرین‌کوب به نقل از عبدالکیفر جرجانی در تعريف ذوق 6 نوشته‌اند: «ذوق عبارت از احساس روحانی و وجود باطنی است که به‌وسیله آن مزیت و رجحان کلامی بر کلام دیگر ادرار می‌شود» (زرین‌کوب، 1372: 55) امروزه ذوق را این گونه تعريف می‌كنند: «ذوق در زیبایی شناسی عموماً به استعداد یا قابلیت درک و راه‌گیری زیبایی‌های زیبایی‌شناسی، به‌ویژه زیبایی اشیا اطلاق می‌شود» (بویل و مشیت، 1382: 1) محمد کرم عبدالکیفر نیز معتقد است طبیعت ذوق به دو چیز برمی‌گردد: (1) آگاهی فطري در آدمی که آمیزه‌ای از عاطفه و غقل و احساس است و با توجه به افراد متوفاً است؛ (2) مجموعه قواعد و معیارهای است که مردم در یک محبط بر آن قرارداد نموده‌اند و از آن متأثر گشتند و در جانشینی ریشه دوانده است. عمل آن در داوری نقد روش و واضح به نظر نمی‌آید اما در آگاهی آدمی وجود دارد و تحت تأثیر محیطی است که می‌تواند در بالا یا یک فساد ذوق سهیم باشد» (الکواز، 1386: 145).
نقد ذووقی معادل نقدهای گذرگاهی، بی دقت و بدون دلیل نیست. صاحبدویقی یعنی کسی که سالهای سال در باب شعر ممارست و مؤانست داشته است و در طول این سال ها ممارست، ذوق و سلیقه او تهدیب و تربیت شده است و قضاوتی از روی علم و آگاهی دارد. اگر تذکره-های عصر صفوی را برسیکین بهراحتی می توان به قدرت ذووق و شعرشناسی بیشتر این منتقدین بپردازد.

۴- کارگردهای نقد شعر در این قهوه خانه‌ها

نقد شعر قهوه خانه‌ای در این عصر دو نتیجه مثبت را در پی داشت:

۱) کثیر شاعران: «در عهد صفویهای برخوردهای عصر صفویه می توان به شاعرانی ارث خود را از هر عهد و زمان شاعرو ظهور کرده است» (دیراگشت. ۱۸۷۱: ۱۲۲). مکرر در تذکره‌های عصر صفویه می توان به شاعرانی برخورده که در ابتدای شعر نبوده‌اند، بلکه ضمن حضور در محلات و مجالس شاعران و استفاده از نقده و نظریات آنها کمک به وادی شعر و شاعرانی کشیده شده‌اند. مثل اعلا این مثال محمد نصرآبادی، صاحب تذکره ارزشمند نصرآبادی است که ادعای می کند در ابتدای شاعر نبوده و فقط گاهی مصروفی موزون می ساخته است اما در نهایت به برکت همنشینی با شاعران قهوه خانه‌ای، آوازه مصروف‌هایی برگشتند در هفت گنبد گردیدن پیچیده است. ای خود نوشته است: «به سبب مراوات آداب در مجالس اصحاب مانند جدول حاشیه‌نشین بودم [...] [گاهی مصروفی موزون می نمودم و زمانی طریق انتظار می بیاموم و به اصلاح صاحبان کمال زیور قبول می یافت تا به حذی رسید که نقد سخن در نظام و نثر به معیار طبع لامکان [...] [آقا حسین خونساری [... آرائسته تمام آمده [...] رواج و رونق به هم رسیده (نصرآبادی. ۱۳۱۷: ۴۳۱). نافع قلم طبیخ بوده و از ملازمه با شاعران، به سراپیدن شعر رژ آورده است و جالب است که معنی شعر خود را هم نمی دانسته و پیش ملال عبادالرزاق (کاشی) برده تا برایش تفسیر کند (ر.ک: همان. ۵۱۸).

محتوی در پاب کثرت منتقدین و پردارانگان به امر شعر در این عصر نوشته است: «این گسترده‌گی و شیوع به دنبال خود انبوهی از کاربرداران امر شاعری را در پی داشته است، هرچند از آنجا که اکثریت این پردارانگان (در مقام سراپیده یا منتقد) نگاه‌های منبتی بر دانش و بصیرت نبود و صرفًا ذوق و شن شخصی راهنما و راه‌گاه‌یابیان بوده است، نه شعر چندان ماندگاری تولید کرده دند و نه توانته‌اند اصول انتقادی عام و استواری پدیدار کند» (محتوی. ۱۳۹۰: ۴۴۲/۲).
۲ هدایت ذوق شاعران: این که شاعران، شعر خود را برای مردم می‌خواندند و واکنش آن‌ها
را حضوری می‌دهند. در جهت‌دهی شعرشان بسیار مؤثر بوده است. از آنجا که بیشتر این
مردم از طبقه اوسط‌الاس بودهند و توجّه‌شنان عمدتاً متوحّه محسوسات و واقعیات
پیرامونشان بوده است، درنتیجه شعر موردبندشان نیز می‌باشت همین ویژگی را داشته
باشد. فتوحی با عنایت به همین موضوع نوشته است: "انجمن‌های ادبی و شعرخوانی که در
فوه‌های خانه‌ها و گاه در دکان‌ها و منازل شخصی برگزار می‌شد، تأثیر فراوانی در جهت
بخشیدن به ادبیات و ذوق ادبی داشت" (فتوحی، ۱۳۸۵: ۷۲). شعر این دوره برخلاف
دوره‌های گذشته، شعر متنوع محسوسات و نزدیک به فرهنگ مردمی است که عالی آن
از یک طرف خود شاعران هستند که از طبقات پایین جامعه هستند و به زبان خودشان شعر
می‌گویند و از طرف دیگر مختلط این اشعار مردمی کس‌سوار و عادی هستند که حتی
شاعران عالم و فاضل نیز مجبورند طبقه فهم و سلیقه آن‌ها شخص بسیارند. فتوحی می‌نویسد:
"دهن علوم به جهت محدود بودن محسوسات و واقعیت‌های زندگی، هنر واقع‌گر را بیش از
دیگر هرها می‌بندد" (فتوحی، ۱۳۸۵: ۷۱). این رایحی در مورد صائب می‌گوید: "صاحب
در قوه‌خانه‌ها [...] می‌نشست و اشعار خود را برای حاضرانی که اگر نه از طبقات پایین
اجتماع، لاقل از طبقه متوسط بودند، می‌خواند [...] طبعی است که در سرودن اشعار، ذوق
و سلیقه و پسند آن خریداران سخن خود را در نظر داشت و از فرهنگ آن‌ها ماهمی
می‌گرفت" (دریاگشت، ۱۳۷۱: ۶۱). پس این گونه محافل و مجامع در واکنش به شعر این دوره
هر چه بیشتر به سمت واقع‌گرایی و توجه به محسوسات می‌کشاند و این نگاه طبقه عوام
برای کم‌اشعار حتی بر روز یک خواص هم تأثیر گذاشت و می‌گذارد شناسیک جامعه را
به سمت واقع‌گرایی بردن. نقد خواص نیز در این دوره بیشتر متوحّه مفاهیم دینی و اخلاقی و
بررسی تناسب معنا با واقع است(غلامحسین زاده، ۱۳۸۰: ۳۹).

۵- نتیجه‌گیری

عصر صفوی پرونده‌برنی دوره نقد شعر در تاریخ ادبیات ایران ناپی‌کن از خود است. کنتر
منتقدان و صاحبان ذوق و ارباب تذکره در این عصر، به شکلی جسمگی نسبت به قبل
افراشیافته است. در ایران و در دوران حاکمیت صفویان قوه‌خانه‌ها که تاره در این
سرزمین دایر شده بودند، به‌زودی مهم‌ترین و بزرگ‌ترین محافل نقد ادبی و شعرخوانی عصر
را در داخل کشور به خود اختصاص دادند. شاعران و منتقدان در این قوه‌خانه‌ها گروه شده
و شعرشان را برای دیگران می‌خواندند. حاضران اشعار ارائه‌شده را نقد و بررسی
می‌کردند. این نقده تقی‌الدین وبررسی‌های صرف‌العملی به تبعیض از ذوق حاکم بر این عصر متوجه می‌شود. و
معنی گرایی است؛ زیرا شاعران این عصر، بیشترین تلاش خود را مصروف یافتن پیامدهای و
معنی بی‌گانه می‌کنند. نقدهای حاضر در قوه‌خانه‌های این عصر، عموماً نقد ذوقی و
استحصایی است.

از جمله کارکردهای مهم نقد و برسی شعرها در قوه‌خانه‌ها، یکی ترکیب و تشویق خیل
محتوای مخاطبان حاضر در این محافل برای طبیعت‌آمیزی و ستیز میزان ذوق است که
باعث شده تا این عصر به لحاظ تعداد شاعران و آمار کمی آن‌ها، یکی از پر‌نشان‌ترین دوران
شاعری فارسی باشد و دوم هدایت ذوق شاعران به سمت یک منظور مختلط است. شاعران چون
اشعارشان را برای حضار تبلت‌های و خواندن در نقد و نظرات آن‌ها را می‌شنیدند به‌طور به‌نوعی
تحت تأثیر پسند آن‌ها و چو غرب بر ذوق عمومی عصر قرار می‌گرفته‌اند.

یادداشت‌ها
1. «هنر یا علم، نقد ادبی، مکوف و به‌بناه، تحلیل، تفسیر و ارزیابی اثر ادبی است» (کادنا، 1380: ۱۰۴).
برخی برای کودک‌گران نقد ادبی مدرن را به نقد نظری و نقد عملی تقسیم کردند: «نقد نظری نوع نظریه‌ای
مشخص را مطرح می‌نماید که به معنی اصول کلی و نیز مجموعه‌ای از اصطلاحات، دستگاه‌ها و مقوله‌
هایی است که شناخت و تحلیل آثار ادبی و نوشته‌های انسانی از نظر ارزیابی می‌شوند. اگر نقد عملی به
بحث موردی درباره آثار و نویسندگان مشخص می‌ورد» (ایبرمز، 138۷: ۱۱).
2. «تا پیش از چیدنی نظریه‌ای انتقادی، نقیادی ادبی معمول به‌عنوان صورت‌بندی و دفاع از داوری‌های ارزشی
درباره آثار ادبی یاد» [۱۳۸۷: ۸۸۲] در نظر گرفته می‌شود (ماهی‌شنیان، ۱۳۸۲: ۸۷۲).
3. انتخاب این تذكره‌ها با این شاخصها صورت گرفته است: ۱. برداشتی به شعری داخل مرزهای ایران آن
روز ۲-داشتن اطلاعات صحیح و کامل ۳-برداشتی به قوه‌خانه‌های این عصر به‌خوص در اصفهان
۴. بنا بر تحقیق نصرالله فلسفی، نوشته‌نامه قوه‌در سال ۱۲۱۹ هـ در شهر کردستان بوده و مکان‌هایی نیز
به نام «جیب قوه‌د» به نوشته‌نامه آن اختصاص داشته است (رک: چند مقاله تاریخی ادبی، ص۲۷۰ به بعد).
۵. این نظریه با نظریه نوشته‌نامه‌نامه: «چنین محل وقت‌گزار و استانی است نخستین بار در
سرده‌های جهانی در عصر اسلامی دانست. و آن یک ناسازه‌ای از جهان بداند احتمال گونه‌گاهی» یا حکایت شده
۶. علمی و قدرت بانش و از آن‌جا که در دسته به به ایران و به اروپا درست نموده‌اند (ماهی‌شنیان، ۱۳۷۹: ۸۸۲).
این‌ها به‌خاطر نقدهای قوی و توسط چه کسانی به ایران وارد شده است معلوم نیست، اما مورخان احتمال داده‌اند
که در زمان شاه‌طهماسب به ایران ورود پیما کرده است. به‌طوری‌که آن‌چه در مبانی تاریخی و میزان فارسی
دیده می‌شود این که در عصر شاه‌اباس قوه‌خانه‌های بسیاری در اصفهان وجود داشته و قوه‌خانه‌ها
محل گردش‌های مردم طبقه متوسط است. مکانی فرهنگی-ادبی که در آن ف.Floor و قصه‌خوانی، مشاعر و
نقد شعر، نقاشی و بازی‌های از قبل شرط‌تر، گنجفه، تخم‌مرغ‌های و غیره انجام می‌شده است. نوشتن‌نامه
کتابنامه

1. آرزو، سراج‌الدین علی بن حسام‌الدین. (۱۳۸۵). مجمع النفايس، تصحیح و تنظیم هاشم محدث، چاپ اول، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
5. کاشانی، تحقیق. (۱۳۶۸). تذکره خلاص‌الاشعار و زیده الاکفار، به کوشش ادیب برومند و محمدحسین نصیری، چاپ اول، تهران: میراث مکتوب.
7. خلیل‌الدین، علی ابی‌البهام. (۱۳۸۴). صحب ابی‌البهام، حقیقی هاشم محدث، چاپ اول، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
9. تقی‌العمل و دیگران. (۱۳۸۳). تاریخ ادبیات ایران، ترجمه ابولقاسم سری، چاپ اول، تهران: سخن.
10. سخن‌کرده، عبدالحسین. (۱۳۷۵). از کتاب‌شناسی ادبی ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
11. ________________ (۱۳۷۲). آشنایی با تقدیم‌دادگی، چاپ اول، تهران: سخن.
12. جامع‌الملک. (۱۳۸۴). تحقیق‌سازیی، تصحیح و تحقیقات رئیس‌الدین همایون فرخ، چاپ اول، تهران: اساطیر.
۱۵. نهج/ایبی، چاب اول، تهران: انتشارات فردوس.
۱۶. صفا، دیبی. (۱۳۷۱). تاریخ ادبیات ایران، چاب نهم، تهران: انتشارات فردوس.
۱۷. غلامحسینی، غلامحسین. (۱۳۸۰). سیر تقید شعر در ایران از مشروطه تا ۱۳۷۲، چاب اول، تهران: روزنه.
۱۹. فتوحی یزدی عباس. (۱۳۸۲). تذکره شعرای یزد، چاب اول، یزد: انتشارات اندیمشک‌نامه.
۲۰. فهرست فرهنگ فرهنگ، ملایی‌الملایی. (۱۳۶۳). تذکره میخانه، به اهتمام احمد گلچین معینی.
چاب اول، تهران: نشر اقبال.
۲۳. کادن، جان. (۱۳۸۰). فرهنگ توصیفی ادبیات و نقده، ترجمه کاظم فیروزمند، چاب اول، تهران: شادگان.
۲۵. نگرودی، شمس. (۱۳۶۲). تذکره شور جنون، چاب اول، تهران: نشر چشم.
۲۶. کلی، مایکل. (۱۳۸۳). دایه‌العمر شیروایی شناسی، ترجمه مشیت علی‌پور و دیگران، چاب اول، تهران: مؤسسه گسترش هنر.
۲۷. محبی، مهدی. (۱۳۶۰). از معنای صورت، چاب اول، تهران: سخن.
۲۸. محمدرضا، محمدحسین. (۱۳۷۴). بیگانه مثل معنی، چاب اول، تهران: نشر میرا.
۳۰. نقوش الیاف اریان، سیدحسن خواجه (۱۳۷۶). مذرک/احباب، تصحیح نجبی مایل هرودی.
چاب اول، تهران: مرکز.
۳۲. ویلی، دیوید. (۱۳۸۳). «دژ»، مجله زبانشناسی، ترجمه مشیت علی‌پور، ش. ۱۰، صص. ۲۷۰-۲۵۴.
۳۳. هدایت، رضا. (۱۳۸۲). مجمع الفصحت، به کوشش مظاهر مصافا، چاب اول، تهران: امیرکبیر.